

۹

احمد اشرف - علی بنوعزیزی : حکومت ، طبقات و شیوه های بسیج در انقلاب ایران



شعبه

شماره ۱۳

۱۳ پائیز ۶۷

روزانه‌ها

شعبه

صفحه	مترجم	نویسنده	عنوان
۳			با خوانندگان
<u>الف : هنر و ادبیات</u>			
۵		محمدجعفر محبوب	۱ - دیوان های چایی حافظ از آغاز تا امروز
۸۵		عباس میلانی	۲ - توتالیتاریسم و مرگ زمان
۱۰۲		مجید نفیسی	۳ - شعر
۱۰۴		مانی	
۱۰۶		محمود فلکی	
۱۰۷		خاور	۴ - طرح
<u>ب : جامعه شناسی و سیاست</u>			
rouzaneha.org			
۱۱۱		ا.ح. گنج بخش احمد میرداماد	۱ - حقوق بشر و انقلاب: پاسخ به یک شائبه تاریخی
۱۵۳		احمد اشرف علی بنوعزیزی	۲ - حکومت، طبقات و شیوه های بسیج در انقلاب ایران



شماره ۱۳

۲

۱۹۱ - تصویر زن در قرآن پرویز دستمالچی
rouzaneha.org ج : نقد و بررسی

۲۰۱ - اشاره‌هایی درحاشیه‌روابط بهروز بهازان
دین و شهریاری در عهد ساسانی

۲۱۹ - نگاهی کوتاه به ساخت محسن حسام
جبهه خانه هوشنگ گلشیری

۲۳۷ - نامه ای از تاشکند بیژن الف

آدرس و شماره حساب کتاب جمعه ها :

در اروپا :

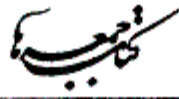
DJOMEHA
CASE POSTALE 37
1015 LAUSANNE SUISSE

COMPTE D'EPARGNE No. F4 _ 700' 538.0
SOCIETE DE BANQUE SUISSE
1015 LAUSANNE SUISSE

در آمریکا :

KETAB DJOMEHA
P.O.BOX 25873
LA. _ CA. 90025 USA

حروف چینی : شرکت واژه
(پاریس ۵۸ ۲۹ ۵۹ ۴۸)



نوشتہ: احمد اشرف و علی بنوعزیزی
ترجمہ: منوچہر پورمصلح

حکومت، طبقات و شیوہ های بسیج
در انقلاب ایران

(از *State, Culture and Society* شماره ۲، جلد ۱، بہار ۱۹۸۵)

در تحلیل انقلاب ایران بیشتر به علل ساختاری ریشہ داری پرداختہ شدہ کہ بہ فرو ریختن رژیم پهلوی انجامید، و نیز بہ نقش شیوہ در فراہم آوردن یک ایدئولوژی بومی و ہماہنگ و نیرومند برای انقلاب و یا بہ عوامل منحصر بفرد بیرون و درون مرزی کہ احتمالاً بر مسیر و نتایج انقلاب تأثیر گذارند (۱) منابع و روش های بسیج انقلابی ساخت و ترکیب اجتماعی ائتلافات سیاسی در مقاطع مختلف انقلاب و چگونگی تشکیل یک جبهہ ی متحد از بخش های گوناگون جامعہ ایران (در آخرین مراحل انقلاب) بر ضد شاہ مسائلی است کہ در بیشتر این نوشتہ ها تا حدودی زیادی بی پاسخ مانده است.

rouzaneha.org

تحلیل حاضر بیشتر بہ بررسی نیروهای محرک سیاسی انقلاب ایران ہم در رابطہ با فشار های خارجی و ہم در رابطہ با جبهہ ی مخالفان داخلی می پردازد. در این جا نقش اقشار گوناگون جامعہ و گروه ها و ائتلافات در انقلاب را بر حسب گرایش عقیدتی، زمان ورود بہ مبارزہ ی انقلابی، نیروی عددی و امکانات بسیج سیاسی آنان بررسی خواهیم کرد و امیدواریم با انگشت نهادن بر وقایع و علل نزدیک تر، توجہ خوانندگان



را به جای عمل ساختاری و نتایج سیاسی انقلاب، به روند سیاسی ای جلب کنیم که با ثمر رسیدن انقلاب آشکار شد.

۱

انقلاب با امواج پهناوری آغاز شد که هر يك دارای نیرو و خروش بیشتری از موج قبلی بود، تا آنکه در ۱۱ فوریه ی ۱۹۷۹ همانند سیلی عظیم رژیم کهنه را فروپاشید. با نگاهی به روند یکسال و نیمه ی انقلاب می توانیم پنج موج یا مرحله ی جداگانه را تشخیص دهیم که هر يك شیوه ی بسیج ویژه ای دارد، ائتلاف ویژه ای از گروه های مخالف در آن مسلط است و بالاخره استراتژی ویژه ای را بکار می بندد. چنین بود که اعتراض ها و راه پیمائی های آرام مرحله ی یکم به دوره ی متناوب شورش های شهری در مرحله ی دوم کشید و این يك به تظاهرات توده ای مرحله ی سوم رسید و در پی آن امتصابات سرتاسری و عنان گسیخته ی مرحله ی چهارم آمد که در مرحله ی نهائی به تأسیس و برقراری يك حاکمیت دوگانه انجامید. در این نوشته، ضمن بازنگری مسیر انقلاب، بطور خلاصه پاره ای از رویدادها و فراگرد های برجسته ی هر يك از مراحل یاد شده را بررسی خواهیم کرد.

rouzaneha.org

مرحله ی اول: بسیج آرام (ژوئن - دسامبر ۱۹۷۷)

می گویند که شاه، پس از پیروزی جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۱۹۷۶ به یکی از معتمدان خود چنین گفته بود: "به نظر می رسد که ما دیگر مدت زیادی روی کار نخواهیم بود". سخنان کاندیدا کارتر در مورد حقوق بشر و محدودیت فروش اسلحه به ایران، از سوی شاه و مشاوران او همچون نشانه هایی تفسیر شد که حمایت بی قید و شرط آمریکا از رژیم ایران بیش از این نمی تواند ادامه یابد و درست مانند سال های اول ریاست جمهوری کندی، مشروط به رفم های اجتماعی و سیاسی در ایران خواهد بود (۲) همان نشانه ها بوسیله ی رهبران مخالف بعنوان (چراغ سبز) تعبیر شد تا فشار را روی رژیم

تشدید کنند (۲)

به همین دلیل شاه برای آرام کردن کارتر، حتی قبل از آغاز رسمی ریاست جمهوری او به یک رشته اصلاحات دست زد؛ از جمله: ترمیم کابینه، تشکیل کمیته‌ی بازرسی شاهنشاهی جهت بازنگاری و کنترل اجرای پروژه‌های توسعه‌ی عمرانی کشور، آغاز مبارزه‌ی ضد فساد، کاهش سانسور در وسایل ارتباط جمعی و آزادی گروهی از زندانیان سیاسی (۴) علاوه بر این امتیازات زودتر از موعد، در طول ماه‌های بعد پیوسته تأکید می‌شد که از این پس دولت به حقوق بشر و گسترش آزادی‌های سیاسی و عدالت اقتصادی توجه‌ی ویژه‌ای نشان خواهد داد (۵). در ۱۷ و ۱۹ ت ۱۹۷۷ شاه نخست‌وزیر وقت امیرعباس هویدا که مدت ۱۴ سال برای او کار کرده بود، را کنار گذاشت و جمشید آموزگار، یک تکنوکرات طرفدار آمریکا را بجای او گماشت، شخصی که هرگز بعنوان یک سیاستمدار چیره دست شناخته نشده بود.

یکی از اولین اقدامات نخست‌وزیر جدید آزادی ۲۴۳ زندانی سیاسی بود که چند نفر آنان بعد از انقلاب ایران نقش برجسته‌ای ایفا کردند (۶). اقدام دیگر او قطع حقوقی بود که از بودجه‌ی محرمانه دفتر نخست‌وزیر به صد ها طلبه پرداخت می‌شد، عملی که بگفته‌ی بسیاری از ناظران منجر به ضدیت بعضی از روحانیون گردید. آموزگار همچنین در تابستان ۱۹۷۷ مبارزه‌ی ضد توری را از طریق کنترل شدید قیمت‌ها آغاز کرد که ناراضایتی چشم‌گیری در میان مغازه‌داران و تجار در داخل و خارج بازار بوجود آورد (۷)

در تمام این دوره رژیم اصرار داشت که اصلاحات و آزادی‌ها واقعی هستند، ادعایی که هر بار از سوی مخالفان رد می‌شد. بعنوان مثال کاهش بعضی از فشارهای سیاسی، بوسیله‌ی مخالفان همانند استراتژی مائوتسه تونگ "بگذار صد گل بشکند" تعبیر می‌شد. بطور کلی استراتژی اپوزیسیون در این مرحله، آزمایش آسیب‌پذیری رژیم و توانایی بسیج خود بود.

در سراسر کشور دانشجویان پس از چندین سال ترس و سکوت نسبی، درگیر اشکال مختلفی از اعتراضات سیاسی و تظاهرات ضد رژیم شدند. کانون نویسندگان ایران که از وعده‌های اخیر در مورد رعایت حقوق بشر چرنتی یافته بود، ده شب شعر خوانی در انجمن فرهنگی ایران و آلمان در تهران برگزار کرد که هزاران دانشجو و روشنفکر و جوان اهل قلم در آن شرکت جستند و حملات ظریف و پوشیده‌ی برخی از نویسندگان و شاعران طراز اول کشور به رژیم را تشویق کردند، برای اولین بار پس از سال‌ها دانشجویان پا را از محیط دانشگاه به خیابان‌ها گذاشته و در تظاهرات بر ضد رژیم شرکت کردند.

جبهه ملی، یک سازمان بورژوا - لیبرال که بوسیله‌ی جمع انگشت شماری از یاران و همکاران دکتر مصدق رهبری می‌شد، پس از بیش از دهسال رکود فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. در همین حال سایر رهبران مخالف میانه رو بوسیله‌ی نامه‌های سرگشاده و انتشار عریضه‌ها سوابق رژیم را در اجرای حقوق بشر مورد انتقاد قرار دادند و خواستار اصلاحات بنیادی و عمیق در چهار چوب قانون اساسی شدند. سرانجام، به ابتکار مهدی بازرگان چندین گروه اسلامی لیبرال سخنرانی‌هایی در ماه رمضان در مسجد "قبا"ی تهران برگزار کردند. نقطه‌ی اوج این رویدادها گرد همانی عظیم به مناسبت نماز عید فطر بود که تمرینی بود برای تظاهرات توده‌ای که در عید فطر سال بعد اتفاق افتاد (۸).

rouzaneha.org

روحانیت مبارز، تحت رهبری خمینی، نیز به سهم خود کوشید تا از فضای سیاسی مداراکننده و شکیبایی تازه سود برد. آنان در اواخر اکتبر مراسم یادبود و عزاداری برای فرزند خمینی برپا داشتند که به تازگی درگذشته بود و شایع بود بوسیله‌ی ساواک به "شهادت" رسیده است. هزاران نوار کاست حاوی پیام‌ها و نطق‌های خمینی به منظور بسیج هواداران او و یافتن هواداران تازه در اماکن مقدس، بازار و مدارس مذهبی پخش شد. جمعی از روحانیون که به مناطق دورافتاده تبعید شده

بودند به بسیج مردم محلی پرداختند(۹). پاسخ رژیم به این موج شدید فعالیت سیاسی نوعی سازگاری توأم با عصبیت بود. رژیم حدود ۳۰۰ زندانی سیاسی را آزاد کرد و ۲۵۰ تظاهر کننده را نه در دادگاه های نظامی بلکه در دادگاه های عادی محاکمه کرد و با جشن گرفتن رسمی "روز حقوق بشر" به تبلیغ پیرامون گرایش حقوق بشری جدید خود ادامه داد (۱۰).

در این مرحله ی آغازین انقلاب، گرد همائی ها و تظاهرات و راه پیمائی ها اساساً مسالمت آمیز و به نسبت کوچک و شعار های آنها معتدل بوده و در مجموع رژیم، تظاهرات این مرحله را به آسانی کنترل می کرد. بازیگران عمدتاً جوانان مذهبی و غیر مذهبی قشر روشنفکر تازه بودند (دانشجویان، نویسندگان، شاعران) و نسبتاً تعداد کمی از سیاستمداران بورژوا - لیبرال، روزنامه نگاران و فعالان حقوق بشر در این مرحله شرکت داشتند.

rouzaneha.org

مرحله دوم: شورش های دوره ای شهری (ژانویه - ژوئیه ۱۹۷۸):
در شب سال نو ۱۹۷۸ و روز آن، پرزیدنت کارتر با شاه در تهران دیدار کرد. کارتر در نطق خود سر میز شام، ایران را " جزیره آرامش و ثبات در يك گوشه متلاطم دنیا " خواند (۱۱). این حمایت علنی و فقدان هرگونه فشار حقیقی از طرف حکومت جدید کارتر برای رژیم، به مقدار زیادی بیم شاه را کاهش داد و تصمیم گرفت ضربه ای به دشمن دیرینه اش آیت الله خمینی بزند که نوار های پیام های سیاسی و حملات او بر ضد رژیم بطور گسترده ای در مناطق گوناگون مملکت می شد. بنابراین دستور داد سردبیران روزنامه اصلی پایتخت، ناسه ای منتشر کنند که در میان مجموعه اتهامات، خمینی را عامل استعمار، و مروج افکار ارتجاعی بر ضد انقلاب سفید شاه نیز معرفی می کرد. در نهم ژانویه ۱۹۷۸ دو روز پس از انتشار نامه چندین هزار تن از طلبه ها و دیگر هواداران خمینی، تظاهراتی در شهر قم بر ضد انتشار مقاله و برای محکوم کردن آن برپا کردند و رهبران روحانیت را زیر فشار گذاشتند تا بطور علنی دولت را



محکوم کنند. در برخورد های بین تظاهر کنندگان و پلیس ۹ نفر کشته و ۴۵ نفر زخمی شدند. با این حادثه موج دوم انقلاب به حرکت افتاد. موجی که ائتلاف انقلابی را از روشنفکران فراتر برد و به بخش بزرگی از روحانیون و بازاری ها گسترش داد (۱۲).

مراسم یادبود کشته شدگان قم که بنا به سنت مذهب شیعه در چهلمین روز وفات برگزار می شود، در ۱۸ فوریه در چندین شهر کشور برپا گشت. این مراسم در تبریز آشوب های جدی بدنبال داشت که به برخورد های خشونت بار بین تظاهر کنندگان و نیرو های دولتی کشید که در نتیجه آن ۱۲ کشته و حدود دو برابر زخمی شدند. ۴۰ روز بعد در ۲۹ مارس مراسم یادبود کشته شدگان تبریز، شورش های پراکنده ای در چندین شهر عمده بویژه یزد روی داد و دوباره تعدادی کشته بجای گذاشت. در همین حال موجی از حملات خیابانی پراکنده توسط گروه های کوچک جوانان به بانک ها، هتل ها و سینما ها انجام شد (۱۳). همراه با این موج جدید دانشجویان دانشگاه ها نیز تظاهراتی در داخل و خارج دانشگاه ها برپا کردند (۱۴).

rouzaneha.org

در مقایسه با مرحله اول، مرحله دوم انقلاب بسیار وسیع تر و شدید تر بود. اولاً پایه اجتماعی ائتلاف انقلابی از محدوده قشر روشنفکر گذشت و روحانیون و بازار را نیز دربر گرفت. دوم، فعالیت های انقلابی از پایتخت به مراکز شهری دیگر نیز گسترش یافت. سوم، خشونت به گونه ای روز افزون به بسیاری از راه پیمانی ها و تظاهرات راه یافت و بالاخره شمار فعالیت های ضد رژیم سه برابر و تعداد مخالفان فعال چهار برابر شد. این مرحله در اواخر مارس ۱۹۷۸ به اوج خود رسید و پس از آن تظاهرات و شورش های پراکنده يك ماه دیگر ادامه یافت. اما ظاهراً نیرو های انقلابی فرسوده شده بودند و کشور در دو ماه آینده خاموش و آرام باقی ماند.

در همین احوال شاه چندین گام دیگر بطرف گسترش آزادی

برداشت. يك ژنرال نسبتاً میانه رو و لیبرال در رأس ساواک قرار گرفت. ۲۵ دانشجو که به اتهام خشونت دستگیر شده بودند نه در دادگاه نظامی بلکه در دادگاه های عمومی محاکمه شدند (و همچنان که انتظار می رفت، جلسات دادگاه را به نمایشی از تبلیغات ضد رژیم بدل کردند). بسیاری دیگر که در تظاهرات خیابانی دستگیر شده بودند آزاد شدند. اخبار این امتیاز ها و تا حدی فعالیت های مخالفان بطور مرتب در روزنامه ها منتشر میگشت. اینها بخشی از فعالیت های رژیم بود برای آن که به حکومت کارتر و دیگران ثابت کند که يك برنامه واقعی گسترش آزادی های سیاسی (از جمله آزادی مطبوعات) در حال شکل گرفتن است (۱۵). اپوزیسیون، دادن این امتیاز ها را نشانه ی ضعف و آسیب پذیری رژیم می شمرد و بر آن بود تا از آن ها بوسیله عملیات جدید و حتی شدید تر از قبل بهره برداری کند. اما هنوز روشن نبود که کی و چگونه می توان دوباره توده ها را بر ضد رژیم به حرکت درآورد. در نبود احزاب سیاسی واقعی و اتحادیه های کارگری مستقل و انجمن های صنفی و آزادی بیان و اجتماعات، مذهب یگانه کانونی شد که پیرامون آن امکان ساختن يك جنبش توده ای وجود داشت. مذهب میتواندست چهار چوب تئوریک، موقعیت ها و فرصت ها (مراسم مذهبی، مراسم عزاداری، روزه، . . .)، فضای فیزیکی لازم (مساجد و زیارت گاه ها) را برای بسیج سیاسی فراهم آورد.

rouzaneha.org

مرحله سوم: تظاهرات توده ای (اوت - سپتامبر ۱۹۷۸):

ماه اوت که مصادف با ماه رمضان بود، زمینه را برای تظاهرات روزانه ضد رژیم آماده کرد، سخنرانی های آتشین واعظان در مجالس روزه خوانی، شرکت کنندگان را برمی انگیزخت و موجب می شد که پس از ترك مجلس در تظاهرات پراکنده خیابانی شرکت کنند. در اصفهان، دستگیری يك رهبر روحانی محلی به راهپیمایی اعتراض آمیز عظیمی در روز دهم اوت انجامید که بیش از ۵۰،۰۰۰ نفر در آن شرکت داشتند، این



راهپیمائی خیلی زود به درگیری با نیرو های دولتی کشید و تلفات و خسارات زیادی ببار آورد. و موجب اعلام حکومت نظامی در روز بعد شد. روز شهادت علی باز موقعیت دیگری جهت راهپیمائی خیابانی و تظاهرات در مراکز شهری بزرگ بوجود آورد و بالاخره در روز آخر ماه رمضان بیش از يك ميليون نفر در تهران و دیگر شهر های بزرگ در مراسم نماز عید فطر، که جنبه ی سیاسی نیز یافته بود، شرکت کردند.

فاجعه ای که اغلب از آن بعنوان یکی از رویداد های کلیدی و اصلی تسریع حرکت انقلاب یاد میکنند، آتش سوزی سینما رکس آبادان بود که در آن بیش از ۴۵۰ نفر (بیشتر زنان و کودکان) در آتش سوختند. مخالفان بلافاصله ساواک را عامل آتش سوزی خواندند و رژیم را متهم کردند که به جنایتی سنگ دلانه و کوششی نومیدانه دست زده تا مخالفان خود را " يك مشت متعصب وحشی " معرفی کند و خشم مردم را بر ضد ایشان برانگیزد. (تحقیقات و بازجویی های بعدی و شهادت متهمان و محاکمه ایشان پس از انقلاب، روشن کرد که عامل این آتش سوزی در حقیقت مخالفان افراطی مذهبی بودند. مراسم تشییع جنازه و تدفین قربانیان حادثه که در قم و نقاط دیگر برگزار شد به تظاهرات پرهیجانی بر ضد رژیم انجامید. این حرکت باعث عصبی شدن بیشتر رژیم و اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۲ شهر دیگر شد. چند ساعت پس از اعلام حکومت نظامی تظاهرات بسیار عظیمی در میدان ژاله تهران به راه افتاد. تظاهر کنندگان که ظاهراً از اعلام ممنوعیت اجتماعات بی خبر بودند بوسیله نیروهای مسلح محاصره و مورد حمله قرار گرفتند. رویداد اخیر خونبار ترین حادثه انقلاب بود که به کشتار حداقل ۲۵۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر انجامید. در اثنای این درگیری ها در اوت و سپتامبر، شاه، جعفر شریف امامی را بعنوان نخست وزیر دولت آشتی ملی برگماشت. اما با نداشتن يك خط مشی درست، یکدست و منطقی برای مقابله با بحران سیاسی روز افزون، شاه و کابینه جدید در میان سیاست های سرکوب یا ملایمت در برابر اپوزیسیون مردد بودند. بعنوان

مثال پس از کشته شدن بعضی از تظاهر کنندگان در حکومت نظامی، نخست وزیر اعلام کرد که برقراری حکومت نظامی و آزادی سیاسی مخالف یکدیگر نیستند و بعنوان يك امتیاز به مخالفان مذهبی اعلام کرد که تشکیل اجتماعات مذهبی در مساجد دیگر نیاز به کسب اجازه ی مقامات حکومت نظامی ندارد. بعلاوه دولت ۲۲۲ زندانی سیاسی را آزاد کرد که بسیاری از آنان، بلافاصله به گروه های مخالف پیوستند. دولت همچنین اجازه داد که حدود ۱۲ حزب سیاسی یا بیشتر تشکیل شود و فعالیت های ساواک را نیز محدود کرد. بسیاری از اعضای مجلس که تا آن زمان ساکت بودند نیز آغاز به انتقاد از رژیم (بویژه در مورد برقراری حکومت نظامی) کردند. در يك مورد اگر نه عجیب، اما دست کم چشمگیر، دادستان دادگاه بیش از وکیل مدافع، از ۱۸ دانشجوی که به اتهام تظاهرات خشونت بار خیابانی و آشوب محاکمه میشدند دفاع کرد. سانسور مطبوعات سخت کاهش یافت و اخبار تظاهرات و شورش ها و حتی پیام های رهبران مخالف در صفحات اول روزنامه های صبح چاپ میشد. اجرای نیم بند و نامؤثر حکومت نظامی بعلاوه آزادی سیاسی، شکاف رژیم را بیشتر کرد (۱۷).
rouzaneha.org

در جریان این تحولات، اشارات سیاسی اطمینان بخش واشنگتن - حداقل از نظر شاه- کمتر و کمتر میشد همانطور که بعداً در خاطرات خود میگوید:

از نیمه سال به بعد (از سپتامبر) پیام های چندی از افراد گوناگون در داخل و خارج حکومت کارتر مبنی بر حمایت امریکا به من می رسید. هر بار که سالیوان Sullivan را می دیدم تأیید رسمی این اظهارات را می خواستم، قول مساعد میداد. . . اما پاسخ او همیشه یکسان بود: من هیچ دستوری ندارم. آیا تعجب آور است که من بیشتر و بیشتر احساس انزوا و تنهایی و جدائی از دوستان غربی خود میکردم

(۱۸) ؟

مرحله چهارم: اعتصابات عمومی (اکتبر - نوامبر ۱۹۷۸)

در پاسخ به عدم قاطعیت و بی تصمیمی شاه در اجرای سیاست دوگانه "آشتی ملی" و "حکومت نظامی"، مخالفان دوره ی جدیدی از یورش های نو و شدید تر را آغاز کردند. یک روش مقاومت بدون خشونت اعتصاب های عمومی بود که کارآئی چشمگیر خود را در زمان حکومت نظامی ثابت کرد. اعتصاب، برای نخستین بار پای کارمندان دولت و نیز کارگران بخش های عمومی و خصوصی را به انقلاب کشاند. و انقلاب بطور افزایشی ای به محل های کار گسترش یافت. بعلاوه با آغاز سال تحصیلی در پائیز، صد ها هزار نفر از دانش آموزان و دبیران سیاسی و همینطور ده ها هزار دانشجو با به راه انداختن اعتصابات و تظاهرات خودشان وارد عمل شدند. به دنبال دانشجویان و معلمان، اعتصاب به نهاد های گوناگون مملکت نیز سرایت کرد. در این مرحله کارمندان بانک مرکزی و بانک ملی یا اداره پست یا مؤسسات خدمات عمومی یا بیمارستان ها یا وزارت خانه ها (از جمله قضات دادگستری) به اعتصاب پرداختند. خواست ها در آغاز به اضافه کردن حقوق خلاصه می شد، اما با افزایش تندروی مخالفان، اعتصابیون پا را فراتر نهادند و خواستار اصلاحات سیاسی و اجتماعی و حتی اخراج مقامات بلند پایه حکومت شدند. در اواسط اکتبر، اعتصاب به حیاتی ترین بخش اقتصادی مملکت یعنی صنایع نفت، اثر مخربی بر روحیه رژیم باقی گذاشت (۱۹).

شاه که منتظر بود واشنگتن راهی پیش پایش بگذارد، از آنجا جز سردرگمی بسیار و پشت گرمی ناچیز نصیبی نیافت: "پیام هایی که در اثنای این وقایع از آمریکا میرسید متناقض و گیج کننده بود، ونس، وزیر امور خارجه در بیاناتی، هم بر کوشش های من جهت بازگرداندن آرامش صحنه گذاشت، و هم ادامه ی برنامه فضای باز سیاسی را تشویق می کرد. این خواب و خیال های ناممکن مرا حیرت زده کرد. برژنسکی حداقل، اولویت ها را برمی شمرد، او در اوائل نوامبر مرا به تسریع در امر برقراری نظم و قانون در درجه اول و سپس به ادامه برنامه

دمکراتیزه کردن خواند * (۲۰).

شاه که توصیه برژنسکی را محتاطانه تر می یافت به سیاست نمایش قدرت روی آورد و ژنرال غلام رضا ازهاری رئیس کل ستاد ارتش را به جای شریف امامی به سمت نخست وزیری گماشت. دولت جدید نظامی سانسور مطبوعات و حکومت نظامی را دوباره برقرار کرد و تهدید کرد که اگر کارکنان نفت فوراً به سر کار بازنگردند اخراج خواهند شد. اغلب آنها بازگشتند و تولید نفت بزودی به ۵/۸ میلیون بشکه در روز رسید که به بالاترین درجه تولید کشور در سال های اخیر نزدیک بود. کارمندان بخش عمومی نیز به اعتصاب خود پایان دادند. بازار تهران پس از يك ماه اعتصاب باز شد. حدود ۳۰۰ نفر که مشکوک به سازماندهی اعتصابات نفت بودند بازداشت شدند. بنظر می رسید که اوضاع به آرامی تحت کنترل نظامی درمیآید، اما این آخرین تلاش شاه بود (۲۱).

همراه با اقدامات بالا، شاه نیز به دلجوئی از اپوزیسیون پرداخت: در يك پیام تلویزیونی، اشتباهات گذشته را پذیرفت و گفت: " صدای انقلاب شما را شنیدم * برگزاری انتخابات آزاد و مبارزه ی شدیدتری با فساد و بی عدالتی را وعده داد. و اعلام کرد که حکومت نظامی موقتی است. دستور واقعی او به دولت حرکت مداوم و آرام اما پرهیز از درگیری بود (۲۲). بدینگونه، حتی دولت نظامی که آخرین کارت برنده شاه برای کنترل اوضاع بود نیز بوسیله خط مشی و سیاست های مردانه، دست و پا بسته و نامؤثر گشت. این مرحله از انقلاب در روز اول دسامبر، هنگامی که دولت نظامی با بزرگترین چالش خود یعنی راهپیمایی و تظاهرات توده ای مخالفان روبرو شد، به پایان رسید.

rouzaneha.org

مرحله پنجم: حاکمیت دوگانه (دسامبر ۷۸ - فوریه ۷۹)

همانند موج سوم، آخرین مرحله انقلاب نیز در اثنای يك ماه مذهبی آغاز شد. اول دسامبر مصادف با اول ماه محرم بود، ماهی که خمینی و پیروان او " ماه پیروزی خون بر شمشیر " نامیدند.



دولت نظامی که تظاهرات و زدوخوردهای بزرگی را با انقلابیون پیش بینی می‌کرده، مقررات خاموشی در حکومت نظامی را اعلام کرد و کلیه راهپیمایی‌ها و راه انداختن دستجات مذهبی را ممنوع کرد. خمینی نیز همانطور که انتظار میرفت، برای مبارزه با رژیم رهنمودهای خود را داد. مردم را به ادامه تظاهرات فراخواند؛ کارکنان صنعت نفت را به از سرگیری امتصاب دعوت کرد و از سربازان خواست تا در صورت دریافت فرمان تیراندازی، به روی مردم، ارتش را ترک گویند. با ادامه یافتن تظاهرات خشونت آمیز، هزاران نفر از کارکنان نفت و سایر صنایع به دعوت خمینی پاسخ دادند، بحران به اوج تازه‌ای رسید. در شروع ماه محرم، تاکتیک تازه و سخت مؤثری جهت بسیج ابداع شد. با آغاز مقررات خاموشی، میلیون‌ها نفر از مردم تهران و سایر شهرها، پشت بام‌ها می‌رفتند و مرتباً فریاد می‌زدند *الله و اکبر...* rouzaneha.org (۲۳).

در این مرحله سه روز برای اپوزیسیون جهت بسیج عمومی اهمیت تعیین کننده‌ای داشت: روزهای تاسوعا و عاشورا، یعنی ایام عزاداری برای شهادت امام سوم شیعیان و اربعین حسینی، یعنی روز چهل ام شهادت همین امام در هر یک از این سه روز، در تهران و شهرهای بزرگ، میلیون‌ها نفر از معترضان در راهپیمایی‌های گسترده و پر شور و عموماً آرامی شرکت کردند. بسیاری از ناظران این تظاهرات عظیم را همچون یک رفراندوم مردمی بر ضد رژیم تلقی کردند (۲۴).

از آنجا که شاه آشکارا اداره مملکت را از دست میداد و خمینی بعنوان یک رهبر مقتدر هر روز نفوذ بیشتری می‌یافت، در اینجا بخشی از دولت کارتر ب فکر خمینی بعنوان یک چانشین مناسب شاه افتادند. سفیر آمریکا در ایران که معمار اصلی این طرز تفکر شد، *تیندیشدنی* را در این جمله خلاصه کرد...

در پیامدهم‌سازی ارتش و روحانیت، خمینی می‌تواند پیروز-



مندان به ایران بازگردد و موقعیتی همانند گاندی بدست آورد^(۲۵). در این میان بخش‌های طرفدار شاه در حکومت کارتر، به جستجوی یک راه حل نظامی برآمدند که بتواند "ایران را حتی بدون وجود شاه نجات دهد"^(۲۶).

پیامد مرحله‌ی نهایی انقلاب پیدایش یک حاکمیت دوگانه بود. در حالی که رژیم کهنه که مهار حکومت را در دست داشت همچنان رو به فرسایش می‌رفت. رهبران مخالف با خشونت و تندی عمل می‌کردند تا فضای خالی را پر کنند و پایه‌های کنترل خود را در تمام کشور گسترش دهند. سه لحظه اصلی در جابجایی قدرت از متصدیان امور به مخالفان وجود داشت: (۱) تأسیس کمیته‌های محلی انقلاب اسلامی و یک کمیته مرکزی جهت کنترل و اداره امتصایات عمومی، (۲) تشکیل شورای انقلاب اسلامی بوسیله خمینی و (۳) بازگشت خمینی از تبعید پس از عزیمت شاه (برای یک تعطیلات نامحدود).
rouzaneha.org

تشکیل کمیته‌های انقلاب اسلامی برای تسریع جریان جابجایی قدرت بسیار حیاتی بود. این کمیته‌ها که در اصل در پاسخ به تظاهرات ضد انقلابی توسط لویس پروتاریا و چماق داران برقرار شد، فعالیت خود را در مرحله چهارم آغاز و نقش خود را تا پایان بازی کردند. مقایسه‌ی روش حرکات چماق داران و افراد کمیته‌ها اثر عمیقی بر روحیه‌ی مردم باقی گذاشت. چماق داران طرفدار رژیم به معترضان حمله می‌کردند و مغازه‌ها را در بازار و خیابان‌ها به آتش میکشیدند و مدارس و ادارات آموزش و پرورش و حتی منازل معلمان و دیگر اعضای اصلی اپوزیسیون را خراب می‌کردند.

غارث و چپاول مغازه‌ها و منازل مردم بوسیله چماق داران اعمالی بود که انقلابیون به آن متوسل نمیشدند. در صد ها حمله و آتش زدن بانکها، ادارات دولتی، مغازه‌های مشروب فروشی، سینماها و دیگر تأسیسات تجاری، تظاهر کنندگان انقلابی بندرت درگیر غارت بودند. آنها معمولاً اشیایی را که از فروشگاه‌ها یا ادارات بیرون آورده شده بود،



در جلوی همان محل میسوزانند. غارت و چپاول چماق داران، مغازه دارها و کسبه را به فکر انداخت و برای مقابله و حفظ دارائی خود، تحت رهبری روحانی محل گروه هایی از دانشجویان و جوانان تشکیل دادند. بعد ها این گروه ها (کمیته ها) فعالیت خود را به اداره بسیاری فعالیت های شهر مثل نظایف پلیس، فعالیت های رفاهی، توزیع مواد غذایی، جیره بندی سوخت، بسیج تظاهرات و کنترل و اداره اعتصابات گسترش دادند. وجود آنان در آغاز يك تاکتیک مقابله با چماق داران و غارت و چپاول بود اما بسرعت (کمیته های انقلاب) در تمام کشور (در شهر های بزرگ) تشکیل شدند. جدول ۱، تناسب (معکوس) بین تعداد حمله چماق داران و افزایش کمیته های انقلاب و رفاه را نشان میدهد.

جدول ۱: بسامه حملات چماق داران و تشکیل کمیته های انقلاب

(۲۷)

rouzaneha.org

کمیته های رفاه کمیته های انقلاب حملات چماق داران ماه

	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
نوامبر	۱۲	۲۰۰۷	۸	۶۰۳	-	-
دسامبر	۴	۶۰۹	۱۰	۷۰۹	-	-
ژانویه	۳۸	۶۵۰۵	۷۰	۵۵۰۶	۱۵	۳۳۰۳
فوریه	۴	۶۰۹	۳۸	۳۰۰۱	۳۰	۶۶۰۷
مجموع	۵۸	۱۰۰۰۰	۱۲۶	۱۰۰۰۰	۴۵	۱۰۰۰۰

در ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۸ يك کمیته مرکزی اعتصاب جهت اداره اعتصاباتي که در آن زمان رخ میداد تشکیل شد، این کمیته یکی از نشانه های آشکار وجود يك حاکمیت دوگانه بود و قدرت و قانونیت آن هنگامی

آشکار شد که خمینی دستور داد که کارکنان صنعت نفت، تولید را به مسلح مصرف داخلی کاهش دهند. کارکنان، این دستور را اجرا کردند و اعلام داشتند که پس از آن تنها به دستورات آیت الله خمینی و نمایندگان برگزیده او گردن خواهند نهاد. اطاعت کارکنان نفت به کمیته مذکور امکان داد تا کم کم نفوذ خود را بر تمام دستگاه های مملکت بجز نیرو های مسلح گسترش دهد (۲۸).
rouzaneha.org

هنگامی که شاه تصمیم به ترك کشور گرفت، یکی از اعضای قبلی جبهه ملی (شاپور بختیار) را بعنوان نخست وزیر برگزید و در ۱۳ ژانویه يك شورای ۹ نفره نیابت سلطنت جهت تفویض وظایف قانونی خود انتخاب کرد. در همان زمان، خمینی نیز تشکیل شورای انقلاب اسلامی را اعلام داشت. سه روز بعد شاه ایران را ترك گفت. چیزی که بطور رسمی عنوان شد " تعطیلات نامحدود " بود، اما يك ملت شادمان میدانست که این يك تبعید همیشگی است. پس از مدت کوتاهی خمینی تصمیم خود را جهت تشکیل يك حکومت موقت و تأسیس مجسمی برای تهیه ی پیش-نویس قانون اساسی جدید اعلام کرد. او خواستار استعفای کلیه مقامات دولتی، شورای سلطنت و اعضای مجلس شد. در بازگشت او به ایران در اول فوریه ۱۹۷۹، حدود دو میلیون نفر به پیشواژ او رفتند. در ۴ فوریه مهدی بازرگان از طرف خمینی به نخست وزیری حکومت موقت برگزیده شد. کارمندان دولت وفاداری و بیعت خود را با حکومت موقت اعلام کردند و شهر ها بطور عملی در دست کمیته های انقلاب بود. میلیون ها تظاهر کننده برای حمایت از نخست وزیر جدید به خیابانها آمدند.

بجز نیرو های مسلح کلیه ارگان ها و عناصر رژیم قدیمی عملا تسلیم شده بودند. اختلاف داخلی بین گارد شاهنشاهی و پرسنل نیروی هوایی به برخورد مسلحانه بین آندو انجامید و این برخورد خیلی زود اعضای دو سازمان چریکی شهری اصلی (مجاهدین خلق و فدائیان خلق) و گروه های رادیکال مسلح دیگر را به طرفداری از درجه داران نیروی هوایی به کارزار کشید. اما هنگامی که ستاد کل ارتش به نظامیان دستور



داد که به پادگان بازگردند و حکومت بازرگان را به رسمیت شناخت، آتش این درگیری فرو نشست و از برخورد های دیگر بین ارتش و مردم نیز جلوگیری شد. با خاتمه حاکمیت دوگانه، انقلاب در ۱۱ فوریه ۱۹۷۹ پیروزی خود را تثبیت کرد. کارمندان دولت بدون هیچ گونه اظهار نارضایتی و مخالفت، در وزارت خانه های مختلف و ادارات دولتی، اعضای دولت بازرگان را خوش آمد گفتند و پذیرفتند، گویی که آنها اعضای يك كابينه معمولی ترمیم شده هستند نه اعضای يك دولت تازه انقلابی (۲۹).

باری، تحت حاکمیت تازه، چند گانگی قدرت جدیدی پیدا شد که نمایندگان آن عبارت بودند از کمیته های انقلاب به رهبری خمینی و اطرافیان نزدیک او؛ دولت جدید بازرگان؛ چندین سازمان چریکی رادیکال مسلح که مبارزه ی تازه ای را برای شرکت در ائتلاف پس از انقلاب آغاز کرده بودند؛ و گروه های شورشی قومی در ولایات مرزی که برای بدست آوردن خود مختاری بیشتر و حق تعیین سرنوشت تحت رژیم اسلامی می کوشیدند.

rouzaneha.org

۲

تضعیف تدریجی و در آخر فرو ریختن حکومت پهلوی تنها نتیجه قدرت درونی و منابع اپوزیسیون داخلی نبود، فشار های برون مرزی (حقیقی یا پنداری) نیز نقش عمده ای بازی کردند، چه از اعتماد بنفس رژیم برای مقابله مؤثر با مخالفانش کاستند و نیز فرصت مناسبی برای بسیج توده ها در اختیار مخالفان نهادند. در اینجا ما تاثیر متقابل فشار های بیرونی و مخالفت داخلی را بررسی خواهیم کرد. این بررسی با تخمین های کمی بسامد و بزرگی (عده ی شرکت کنندگان) و فعالیت های گوناگون انقلابی در پنج مرحله انقلاب تکمیل خواهد شد.

در آثار تحقیقی جدید، نقش عوامل بین المللی در موفقیت انقلاب های اجتماعی مورد توجه بسیاری بوده است بویژه فرو ریختن رژیم های سابق

در فرانسه، چین و روسیه، دست کم تا حدی به شکاف‌های نسبت داده می‌شود که در اثر تضاد‌های بین‌المللی در ساختار این رژیم‌ها بوجود آمده بود. نبود درگیری‌های خارجی تضعیف‌کننده در مورد ایران قبل از ۷۹-۱۹۷۷، باعث شده که بسیاری از ناظران اهمیت عوامل خارجی در انقلاب ایران را نادیده بگیرند. آنچه این ناظران درنیاخته‌اند، این است که در حکومت‌های وابسته مانند ایران، هم قشر حاکم و هم مخالفان سیاسی آن‌ها، به ویژه در دوره‌ی بحران‌های سیاسی جدی، به الگوی رفتاری "حکومت ارباب" اهمیت بسیاری می‌دهند.

در مرور رویداد‌های مرحله یکم انقلاب، یادآور شدیم که پیروزی یک لیبرال - دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۶ شاه را غافلگیر کرد و او را نسبت به ادامه پشتیبانی آمریکا از رژیم خود بیمناک کرد. اینکه آیا واقعاً واشنگتن در حال تغییر خط مشی در مورد حکومت شاه بود یا نه، موضوع بحث ما نیست. مهم این است که شاه گمان داشت که آمریکا از او خواهد خواست تا سیاست‌هایی در پیش گیرد که قدرت او را به طور جدی به خطر می‌انداخت. از تخت انداختن پدر او بوسیله متفقین در سال ۱۹۴۱، تثبیت دوباره قدرت خود او در سال ۱۹۵۳ به کمک کودتای آمریکا - انگلیس و "رابطه‌ی ویژه" اش با واشنگتن در ربع‌قرنی که از آن پس آمد و به رغم چند تشنج گذرا، او را به یک متحد مهم و استراتژیک غرب بدل کرده بود، همه و همه کمک می‌کرد به این که او به گونه‌ای اغراق‌آمیز احساس کند که آمریکا هم می‌تواند و هم می‌خواهد مستقیماً بر جریان رویدادها در ایران اثر بگذارد.

در همین زمان گروه‌های حقوق بشر (بویژه عفو بین‌الملل، کمیسیون حقوق دانان بین‌الملل) با پشتکار، نفخ حقوق بشر در ایران را افشاء میکردند. هیاهوی بین‌المللی در مورد حقوق بشر در ایران، پافشاری جدید دولت آمریکا بر همین موضوع و گام‌های کوتاه شاه بطرف فضای باز سیاسی، اپوزیسیون را تشویق کرد که مبارزه سختی در جهت کسب حقوق

مجموعه

شماره ۱۳

۱۷۰

سیاسی و آزاد آغاز کند. شاه برای مقابله با این وضعیت سیاست مسالمت آمیزی را برگزید و با ایجاد فضای سیاسی بازتری از گذشته، کاهش سانسور مطبوعات، شروع به میزبانی با فساد و انتخاب یک نخست وزیر اصلاح طلب، گام های ناچیزی برداشت. اما پیرامون آن هیاهوی تبلیغاتی بسیاری به راه انداخت. در حالی که به نظر میرسید بخشی از اپوزیسیون می خواهد حداقل حدود و اعتبار فضای سیاسی جدید را امتحان کند، دیگر گروه ها این خط مشی را یک تاکتیک دورویانه برای جلوگیری از حرکت انقلاب تلقی کرد. نتیجه عملی این وضعیت، افزایش ناخشنودی و مخالفت آشکار با رژیم شد. رژیم در برابر گسترش توش و توان و جسارت اپوزیسیون به سیاست نمایش قدرت روی آورد، اما این روش نیز بطور نیم بند و برای مدت کوتاهی بکار رفت. با این وجود اپوزیسیون در آن وضعیت اندکی عقب نشست، اما به جستجوی استراتژی های تازه برای حمله بعدی ادامه داد.

هرچند شیوه ی بسیج و تاکتیک های مخصوص اپوزیسیون و هم چنین عکس العمل رژیم از مرحله به مرحله تغییر میکرد، اما الگویی بسیار نزدیک به آنچه در بالا آمد، در هر یک از مراحل تکرار می شد. هر مرحله با جوشش اعتراضات و سایر فعالیت ها بر ضد رژیم از یکطرف، و فشار های خارجی جهت مهار قیام از طرف دیگر آغاز می شد. عکس العمل اولیه رژیم سیاستی لچویانه و تعدیل بعضی از فشار های سیاسی بود که به اپوزیسیون فرصتی جهت استفاده از نقطه ضعف و آزمایش محدودیت ها و در نهایت گسترش و تشدید تضاد میداد و رژیم با از دست دادن کنترل، به یک نمایش قدرت خشن اما همیشه کوتاه دست میزد. این نیز به نوبه ی خود به یک عکس العمل موقتی اپوزیسیون، گسترش پایه اجتماعی آن، شکل گرفتن شیوه های جدید بسیج و سازماندهی و تهیه یک یورش نو می انجامید.

rouzaneha.org

هر کدام از پنج مرحله انقلاب از نظر تعداد و نوع عملیات شرکت کنندگان، حوادث خشونت بار، حمله به اموال و تعداد کشته و زخمی



متفاوت بود. تعداد افزایش شرکت کنندگان و انواع مختلف بسیج انقلابی که در هر یک از پنج مرحله متوالی انقلاب دنبال میشد، نشان میدهد چگونه انقلاب وزن و سرعت گرفت و بمانند یک بهمن غرش کنان سرازیر گردید (۳۲).

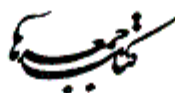
با هر موجی، شماره شرکت کنندگان در فعالیت های انقلابی افزایش می یافت.

۴۵۰۰ نفر در مرحله اول و تقریباً چهار برابر آن در مرحله دوم، ۱۴۰۰۰۰ نفر در مرحله سوم و ۵۲۰۰۰۰۰ در مرحله چهارم و بالاخره ۲۹۰۰۰۰۰ نفر در مرحله آخر، همچنین در هر مرحله تعداد تظاهرات افزایش می یافت. ۲۸ مورد در آغاز، در مرحله دوم سه برابر، ۱۳۱ در موج سوم، ۸۱۲ در مرحله چهارم و ۱۳۸۳ فعالیت جمعی در مرحله آخر، متوسط شماره شرکت کنندگان در هر راهپیمایی و تظاهرات نیز بسرعت افزایش یافت. ۱۲۰۰ و ۱۴۰۰ و ۱۰۷۰۰ اما نزول به ۶۴۰۰ در مرحله ی چهارم. این کاهش مربوط است به افزایش تظاهرات خیابانی (بیشتر بوسیله دانشجویان) به نسبت تظاهرات توده ای ملی که سازماندهی آن تحت شرایط حکومت نظامی مشکل بود. و در مرحله آخر تعداد متوسط شرکت کننده به ۲۱۰۰۰ نفر رسید. جدول ۲ صعود بسامد فرم های مختلف فعالیت های انقلابی را در اثنای هر یک از پنج مرحله یاد شده نشان میدهد.

بسامد فعالیت های مختلف انقلابی و رخ دادهای خشونت بار در اثنای پنج مرحله انقلاب:

rouzaneha.org

مراحل	تظاهرات	شرکت کنندگان	اعتصاب ها	صدمات و تلفات	کشته زخمی درصد
۱- بسیج آرام	۱۰۵٪	۱۰۰٪	۳۰۰٪	۰	۰
۲- شورش های شهری دوره ای	۴۰۷	۰۰۵	۰۰۶	۱۰۳	۱۰۰۷
	۱۱۸	۱۶۹	۸	۱۶۵	۵۰۸



۲۰۹	۷۰۷	۹۰۳	۰۰۹	۳۰۹	۵۰۳	۲-تظاهرات
۱۴۰	۹۴۸	۲۸۰	۱۱	۱۴۰۰	۱۳۱	توده ای
۳۶۰۲	۱۵۰۶	۸۰۱	۹۸۰۱	۱۴۰۵	۳۲۰۷	۴-اعتصاب
۱۷۰۲	۱۹۰۵	۲۴۳	۱۱۸۴	۵۲۰۰	۸۱۴	توده ای
۵۰۰۲	۷۵۰۲	۸۱۰۳	۰۰۰	۸۱۰۰	۵۵۰۷	۵-حکومت
۲۳۸۷	۹۱۲۹	۲۴۴۸	۰	۲۹۰۰۰	۱۳۸۳	دوگانه
۴۷۵۵	۱۲۱۸۴	۳۰۰۸	۱۲۰۷	۳۵۰۰۰	۲۴۸۳	مجموع

x شرایط هرج و مرج انقلابی

رویدادهای خشونت بار برای اولین بار در مرحله دوم روی داد، هنگامی که ۷۰ تظاهرات (۶۰٪ کل) به خشونت گرائید. در مرحله سوم تعداد تظاهرات خشونت آمیز به ۴۱ مورد کاهش یافت (کمتر از ۱/۳ تعداد کل). کاهش خشونت به عنوان يك مانور تاکتیکی از طرف رهبری انقلاب جهت تشویق مردم به شرکت در راهپیمایی توده ای ماه رمضان بود. همان روش در مرحله چهارم نیز، بشکل اعتصاب عمومی (مقاومت منفی) در ادارات دولتی بکار رفت. از مجموع تظاهرات توده ای در این مرحله تنها ۲۴۲ مورد (کمتر از ۳۰ درصد) به خشونت گرائید. اگر ۱۴۸۴ اعتصاب آرام که در این مرحله رخ داد را نیز به مقدار بالا اضافه کنیم، نسبت حوادث خشونت بار به ۱/۸ کل تعداد نزول خواهد کرد. اغلب این تظاهرات خشونت آمیز بوسیله دانش آموزان بشکل حمله - فرار رخ میداد و گاهی نیز شورش های کوچک اتفاق می افتاد.

در موج آخر تعداد زیادی عملیات خشونت آمیز در مراکز شهری رخ داد، چهار صد و يك تظاهرات و شورش که از مجموع حوادث خشونت بار چهار مرحله اول نیز بیشتر است. این افزایش نسبی معلول حملات چماق داران و نیرو های امنیتی به مغازه ها در بازار و محل های دیگر بود.

rouzaneha.org

برخورد ها در مرحله دوم شامل ۲۷ کشته و ۱۶۵ زخمی بر جا نهاد (یعنی حدود يك در صد کل کشته ها و يك در صد کل زخمی ها): در مرحله سوم ۲۸۰ کشته و ۹۴۸ زخمی (به ترتیب حدود نه در صد و هشت در صد

تعداد کل) و در مرحله چهارم ۲۴۲ کشته و ۱۹۰۶ زخمی (به ترتیب هشت در صد و پانزده در صد تعداد کل). یک توضیح صعود بی تناسب زخمی‌ها در این مرحله بکار بردن سلاح‌های هند شورش‌گیر کشته از سوی نیروهای امنیتی و روی آوردن مخالفان به عملیات سلامت آمیز دسته جمعی بود. در مرحله چهارم بود که شماره برخوردهای مرگ‌بار به ۲۴۴۸ کشته و ۹۱۲۹ زخمی رسید. علل این تلفات بزرگ انسانی را می‌توان چنین برشمرد: ناآرامی در میان نیروهای مسلح که گهگاه به خشونت می‌گراشتند؛ برخورد هر روزه بین نیروهای مسلح و تظاهرکنندگان؛ کاهش محدودیت‌ها بوسیله حکومت، و تضاد‌های عمومی که نتیجه خط مشی متناوب و متناقض حکومت و نیز حاکمیت دوگانه بود. rouzaneha.org خسارت به اموال شامل آتش‌زدن ساختمان‌ها و اتومبیل‌ها، شکست پنجره‌ها، سنگ‌بندی و سوزاندن لاستیک اتومبیل، در مرحله دوم آغاز شد که شامل ۵۰۸ مورد بود و در مرحله سوم ۱۴۰ و در مراحل چهارم و پنجم به ترتیب ۱۷۲۰ و ۲۲۸۷ مورد بود. هدف اصلی حملات ضد انقلابیون و چماق‌داران، مغازه‌های بازار و خیابانها بود که یک سوم تعداد کل آتش‌سوزی‌ها و خسارات به اموال را دربر می‌گیرد. در یک چهارم کل موارد، انقلابیون به اتومبیل‌های مأموران دولتی حمله کرده‌اند. در یک پنجم کل موارد به بانک‌ها و در یک دهم کل موارد به مشروبات فروشی‌ها و سینماها.

وجود یک رابطه متقابل بین نوع و تعداد نیروهای بسیج شده (که در جدول ۲ نشان داده شده است) از یکطرف و روابط بین رژیم و ارباب خارجی آن، ایالات متحده از طرف دیگر، در روند انقلاب کاملاً واضح و مشخص است. زمانیکه فشارهای خارجی و کاهش کنترل‌های بازدارنده، فرصت‌ها را برای عملیات جمعی در مراحل ابتدایی انقلاب باز-می‌کردند، تحریک داخلی و شتاب‌گام‌های وقایع بر روی مراحل بعدی انقلاب تأثیر می‌گذاشت. و در چنین فرصت‌های اضطراری، ایالات متحده



با (فکر به فکر ناکردنی‌ها) یعنی در نظر گرفتن خمینی بعنوان يك انتخاب قابل قبول برای حفظ ایران بدون شاه، مذاکرات رسمی و غیر رسمی با اپوزیسیون را طرح ریزی میکرد و همین مساله باعث قویتر شدن موقعیت اپوزیسیون و تسریع سقوط حکومت پهلوی می شد.

۳

سه گروه اصلی تدارک کنندگان: رهبری - کادر - شرکت کنندگان - ایدئولوژی و منابع مالی برای انقلاب، عبارت بودند از: علما - تحصیلکرده های جوان (غالباً دانشجویان و معلمان) و بازاری ها (تجار - دکانداران - صنعتگران و غیره). دو گروه دیگر یعنی طبقه ی متوسط جدید (عموماً کارکنان حقوق بگیر در خدمات عمومی و دارندگان مشاغل آزاد) و کارکنان بخش صنعتی، در مراحل بعدی انقلاب به آن پیوستند. اگر چه ایشان دیر آمدند، اما اثر شرکتشان در موفقیت انقلاب بسیار قطعی و محرز بود، زیرا که ایشان بطرز برجسته ای موفقیت اقتصادی اپوزیسیون را با برقراری اعتصابات و سایر فعالیت ها افزایش دادند و همچنین کار انتشار و پخش انقلاب را در سطوح مختلف جامعه بعده گرفتند. شهرنشینان فقیر و مهاجرین روستایی نیز به تظاهرات توده ای کشیده شدند و در دو مرحله ی نهائی انقلاب در رویارویی های خشونت آمیز نیز شرکت داشتند و بالاخره، روستائیان که در شروع انقلاب نیمی از جمعیت ایران را تشکیل می دادند هیچ نقش مهمی در هیچ مرحله ای از انقلاب بعده نداشتند. rouzaneha.org

بررسی آماری تعداد شرکت کنندگان و موقعیت اجتماعی ایشان مؤید نتایج بالاست. برای مثال از ۲۴۸۳ تظاهراتی که در تمامی طول انقلاب انجام شد: ۶۴٪ بوسیله ی اتحاد مسجد و بازار، ۲۳٪ بوسیله ی محصلین دبیرستان و دانشجویان دانشگاه و معلمان و ۱۳٪ باقی مانده بوسیله ی گروه ها، چون: روستائیان (۲٪) - پرولتاریای صنعتی (۱٪)

انجام گرفت. به همین ترتیب از مجموع ۱۱۹۵ اعتصابات عمومی در مرحله ی چهارم انقلاب: نزدیک به نیمی از آنها بوسیله ی عوامل بازار، مدارس و دانشگاه ها - نزدیک به دو پنجم آنها در نهاد های عمومی و ادارات دولتی و یک ششم آنها در بخشی از کارخانجات دولتی انجام شد.

دانشجویان دانشگاه، بعضی از روشنفکران، شعراء، نویسندگان و فعالین حقوق بشر، اولین بخش تحصیل کرده ها بودند که مبارزه بر علیه رژیم را آغاز کردند. جهت گیری های ایدئولوژیک آنها عبارت بود از: بورژوازی لیبرال - مارکسیست و یا سوسیالیست اسلامی. محصلین دبیرستان و معلمین آنها (دو بخش دیگر از تحصیل کرده های جوان) به شکل توده ای و با تعداد قابل توجه، تا مرحله ی سوم به انقلاب پیوستند. معهذرا در مجموع روند کسب انقلاب، تحصیل کرده های جوان، که در دهه های اخیر تعدادشان به سرعت افزایش یافته بود، در مقایسه با سایر گروه های اجتماعی، به طرز فعالانه تری در هر شکل اعتراضی و حرکات انقلابی از قبیل راهپیمایی های صلح آمیز [آرام] تا اعتصابات و جنگ های خیابانی و فراگیری بکار بردن اسلحه شرکت داشتند. به نسبت تعداد جمعیت آنها، تعداد دستگیر شدگان، زخمی ها و یا کشته شدگان این گروه، بیشتر از هر گروه دیگر بود. و بالاخره شرکت فعال ایشان در کمیته های انقلاب، کمک به بوجود آمدن حکومت دوگانه کرد.

نقش کابندی روحانیون در انقلاب کاملاً مشخص است، اما آنچه که غالباً به آن توجه نشده اینست که يك تعداد محدودی از این گروه بطور فعالانه در انقلاب شرکت داشتند. اکثریت روحانیون در تمامی مراحل انقلاب در مواضع محافظه کارانه ی خود باقی ماندند، آنها به روحانیت رادیکال و به خمینی با سوء ظن می نگریستند و از رویارویی مستقیم در فعالیت های انقلابی اجتناب می کردند. نزدیک به اکثریت روحانیت در سطح عالی که شامل تمامی آیات عظام و اکثر معلمین فیضیه ها و دانشکده ی الهیات می شد، نسبت به برداشت مبارزه جویانه ی خمینی از

نقش اسلام و روحانیت در انقلاب، یا مخالف و یا خاموش بودند. تاثیر خمینی بیشتر بر روی طلبه های جوان در مدارس فیزیکی ی قم بود و چنانچه سیر انقلاب نشان داد، این طلبه ها برای تحریک سایر روحانیون و بازاری ها خیلی زیاد مورد استفاده قرار گرفتند. در واقع آنها، تاکتیک های مختلف و مؤثری برای فشار به آیات عظام و سایر روحانیون و بازاری ها برای پیوستن به صفوف انقلاب بکار می بردند. برای مثال، زمانی که در شروع دومین مرحله ی انقلاب، دولت به خمینی حمله کرد، این طلبه ها بودند که روحانیت میانه رو در قم را برای نشان دادن اعتراض به این حمله تحت فشار قرار دادند. حقوق بشر و سایر فعالیت های مخالف که شاخص موج اول انقلاب بودند، به خمینی و گروه کوچک گروندگان او در بین روحانیت، فرصتی را دادند که ایشان بی صبرانه انتظار می کشیدند. زیرا که ایشان ۱۵ سال برای به حرکت درآوردن روحانیت و افزودن موج اعتراضات و تحریکات صبر کرده بودند. تعداد اندک طرفداران خمینی کاملاً آشکار می سازد که فقط اقلیت کوچکی از علماء، جزو انقلابیون بودند، این اقلیت با عملکردی همچون (حزب پیشگام لنین) [Lenin's vanguard] خود را آماده می کرد که در اولین فرصت به رژیم شاه حمله کند. این اقلیت، تحریک روحانیت را قاطعانه در دستور کار سیاسی خود قرار داده بود، زیرا که این مساله نه تنها باعث بیشتر شدن امکانات در مواقع عادی می شد، بلکه در موقعیت های مذهبی نیز می شد از منابر و مساجد برای مقاصد تبلیغاتی استفاده کرد. در برابر این واقعیت که رژیم تمامی راه های بیان مخالفت را بسته بود، دست یابی به مساجد که دولت نمی توانست آنها را تعطیل کند برای فعالیت های اپوزیسیون حیاتی محسوب می شد.

در هر زمان، خمینی به علماء نصیحت می کرد که از (فرصت) جدیدی که پیش آمده استفاده کنند و به مخالفین بپیوندند. برای مثال در اول نوامبر ۱۹۷۷ در طول خطابه ای که در آن از شرکت کنندگان در



مراسم عزاداری (شهادت) پسرش، در نجف تشکر کرده بود. همقطاران روحانی خود را مخاطب قرار داده و می گوید:

* يك فرصت جدید، امروز در ایران بوجود آمده. این فرصت می تواند مورد استقبال شما قرار بگیرد. در غیر اینصورت، موقعیت فعلی [سیاسی] دیگر پیش نمی آید. حالا، نویسندگان گروه های سیاسی انتقاد می کنند [از شاه و حکومت]. آنها نامه می نویسند و امضاء جمع می کنند. شما هم می توانید نامه بنویسید. صد نفر روحانی هم می توانند آنها امضاء کنند. . . ما خیلی ها را دیده ایم که انتقاد کردند، مخالفت کردند و امضاء جمع کردند و هیچ کسی به آنها کاری نکرد. من می ترسم که اگر خدای نکرده ما این فرصت را از دست بدهیم و این مرد [شاه] موقعیت خودش را دوباره مستحکم کند او آنچنان خربیتی به این مردم بزند که هیچ کسی تصورش را هم نتواند بکند. و اولین خربیت متوجه ی شما روحانیون خواهد بود. این فرصتی است که نمی باید از دست داد * (۲۲).
rouzaneha.org

آنچه که خطابه ی بالا کاملاً آشکار می کند اینست که: در آن زمان فقط صد نفری از روحانیون بعنوان مخالفت متحد شده بودند و علاوه بر آن در خمینی از اهمیت بهره بردن از (فرصت) موجود بوسیله ی استفاده ی مکرر این کلمه در پاراگراف بالا و در باقی خطابه تاکید شده است.

پس رادیکال کردن روحانیون و تحت فشار قرار دادنشان برای اینکه نقش فعالی در انقلاب به عهده بگیرند برای پیشگامان خمینی در اولویت قرار داشت. در آفاز مرحله ی دوم انقلاب، پیشرفت قابل ملاحظه ای در دستیابی به این هدف مشاهده شد و تعداد زیادی از علما به خمینی پیوستند. علما با پیوستنشان به انقلاب، منابع مهمی را در اختیار گذاشتند. مهمترین آنها، تجربه ی ایشان در راه اندازی دستجات و عزاداری های مذهبی بود که بسادگی می توانست تبدیل به تظاهرات خیابانی بشود. دوم، توانایی ایشان در استفاده از روز های مذهبی

گوناگون و عزاداری‌های مذهبی بعنوان فرصتی برای اعتراضات سیاسی بود. چنانچه ما در جداول نشان دادیم در مراحل مختلف انقلاب، این عامل باعث انتقال از مرحله‌ی مخالفت‌های آرام (مرحله‌ی ۱) به مرحله‌ی اقدامات پر جمعیت توده‌ای (مرحله‌ی ۲) بوده است. سوم استفاده از دسته‌جات مذهبی برای حمله به رژیم بصورت مجازی یا واضح (استعاره‌ی یا اشکارا) و تبلیغ پیام‌های انقلاب بعنوان شعارهای مذهبی به وسیله‌ی این دسته‌جات. و بالاخره، آخرین منبع استفاده‌ی از ایشان ذخائر مالی بود. علما کنترل مبالغ هنگفتی را که بوسیله‌ی معتقدین (اکثراً بازاری‌ها) بعنوان مالیات مذهبی یا بعنوان (سهم امام) پرداخت می‌شد، بعهده داشتند، این سرمایه‌ها بعداً بعنوان پشتوانه‌ی فعالیت‌های انقلابی بکار گرفته شد.

بنابراین، علما که در آغاز نقش حاشیه‌ای داشتند، در مراحل بعدی انقلاب با سرعت نقششان افزوده گشت و در نهایت تبدیل به یک سازمان متحد و بزرگ شدند. در اکتبر ۱۹۷۸ زمانی که خمینی بعنوان رهبر انقلاب، نجف را به مقصد پاریس ترک گفت، باز هم نقش روحانیت برجسته‌تر شد. بعد از آن با تشکیل تعاونی‌های اسلامی، کمیته‌های رفاه، سوخت و چندی بعد از آن کمیته‌های انقلاب، علما بعنوان چانشین واقعی قدرت محسوب گشتند.

rouzaneha.org

بازاری‌ها شامل تجار، مغازه‌داران و صنعتگران، سومین دسته در ائتلاف انقلابی بودند. عوامل متعددی باعث اهمیت شرکت ایشان در انقلاب می‌شد. اول اینکه تعطیل بازار بعنوان یک (عمل اعتراضی سنتی)، بخاطر رابطه‌ی مستقیم با زندگی روزمره‌ی مردم از اعتصاب مدارس و سایر مؤسسات مهم‌تر بود. دوم اینکه بازار بعنوان یک مجموعه‌ی انبوه کاملاً پیوسته، محل ایده‌آلی برای بروز حرکات اعتراضی دسته‌جمعی محسوب می‌شد. و سوم اینکه، تجار - مغازه‌داران و سایر اعضای بازار از لحاظ مالی پشتوانه‌ی مهمی برای انقلاب به حساب می‌آمدند.

بعلاوه به خاطر دینداری و رعایت قوانین اسلامی، بازاری ها همیشه رابطه ی پایداری از لحاظ اقتصادی و سیاسی با روحانیت داشتند. یکی از عوامل تشکیل این پیوستگی، نزدیکی (مکانی) مسجد و بازار در بیشتر شهر های ایران است. دیگر اینکه بازار بعنوان يك بافت اجتماعی، همیشه آگاهی دکانداران را در رابطه با فعالیت های دیگران بالا می برد. پرداخت مالیات های مذهبی و شرکت در جمع آوری صدقات، برقراری يك رابطه ی خوب و داشمی با علما همگی علائم دینداری این گروه بوده و کمک به باقی ماندن احترام و ارزش ایشان در اجتماع می کرده است.

rouzaneha.org

رابطه ی حکومت پهلوی با بازار، غالباً مملو از برخورد و تیرگی بوده درست در ماه قبل از انقلاب، تشکیل مبارزه بر ضد گران فروشی دولت باعث تضعیف هزاران دکاندار بازار شد، زیرا که دولت مغازه های آنان را به زور بست و نزدیک به ۸۰۰۰ نفرشان در دادگاه های ویژه مورد محاکمه قرار گرفتند (۳۴). از نیمه ی سال های ۱۹۷۰، روابط تیره ی بین شاه و بازار دوباره به اوج خود رسید.

روش بوجود آمدن ائتلاف بین تحصیل کرده های جوان، علما و بازاری ها و مهم تر از آن، طریقی که بوسیله ی آن یکی از این گروه ها یعنی علما نقش رهبری را در بین آنها بعهده گرفت، سئوالات مهمی را بوجود می آورد که باید با تجزیه و تحلیل دینامیک انقلاب ایران جواب آنرا یافت.

چهار چوب ایدئولوژیک در میان این سه گروه که باعث وحدت ایشان می شد، اسلام یا دقیق تر بگوئیم، برداشت های مختلف ایدئولوژیکی بود که هر يك از این سه گروه بنا به موقعیت اجتماعی خود از اسلام داشت. دو نسخه ی مهم انقلاب اسلامی، یکی (اسلام رادیکال) با وکالت علی شریعتی و دیگری (اسلام مبارز) بود که آیت الله خمینی مطرح کننده ی آن بود. که هر دو شامل بر ابداعات جسورانه ای در تعبیر دکتترین شیعه، مخصوصاً در مورد رابطه ی مذهب و حکومت می شد. بعلاوه، هر دو از

تجدید

شماره ۱۳

۱۸۰

اعمال خشونت برای تبدیل جامعه به (مدینه ی فاضله ی) اسلامی دفاع می کردند. برداشت شریعتی از مدینه ی فاضله ی اسلامی، جامعه ی بی طبقه ی مسلمانان بود که بوسیله ی روشنفکران اداره می شد و هیچ محلی از اعراب هم برای علما نداشت (۳۵). مدینه ی فاضله ی خمینی، حکومت اسلامی بود که بوسیله ی علما بعنوان جانشینان (امام غائب) اداره می شد (۳۶).

ایدئولوژی شریعتی طرح رادیکال کردن قوانین اجتماع بود. ایدئولوژی خمینی مقدماً تغییر جامعه از لحاظ سیاسی و فرهنگی بود. دستور کار شریعتی يك انقلاب اجتماعی، و برای خمینی يك انقلاب سیاسی بود با هدف تشکیل حکومت مذهبی. هواخواهان عقاید شریعتی اکثراً جوانان تحصیل کرده بودند که غالب آنها سازمان مجاهدین خلق را بنا گذاشتند. حامیان اسلام مبارز خمینی شامل قسمتی از همان گروه بالا، بعلاوه ی گروه کوچکی از علما و هزاران طلبه و بخش هایی از بازار و خرده بورژواها می شد.

rouzaneha.org

سومین نسخه ی اسلام، اسلام لیبرال، معتقد به بقدرت رسیدن اسلام از طرق صلح آمیز و در جستجوی وفق دادن قوانین اسلام با دنیای مدرن بود. بورژوازی مدرن، تعدادی از تجار، طبقه ی متوسط مدرن، بخش کوچکی از علما، عده ای از دانشجویان و معلمین معتقد به این گرایش لیبرال بودند. (نهضت اسلامی) بازرگان بر پایه ی این گرایش خاص قرار داشت (۳۷).

چهارمین نسخه ی اسلام، اسلام سنتی بود. که اکثریت علما و خرده بورژوازی قدیمی خواستار آن بودند. اینها گروهی بودند که آرزوی دوران گذشته ای را داشتند که در آن وظایف دینی خود را بطور کامل عمل می کردند و بعنوان يك بخش از جامعه از احترام و قدرت بیشتری برخوردار بودند.

اتحاد روحانیون و تحصیل کرده ها يك پدیده ی نوین بود. مانند هر کجای دنیا، فقط در سال های ۱۹۷۰ بود که اسلام بعنوان يك ایدئولوژی



سیاسی برای جوانان ایران مطرح می‌شد. بی تردید، شریعتی رل اصلی بوجود آوردن این چرخه را با حکم اسلام انقلابی شبه مارکسیستی و طرز تلقی ضد روحانیتش از اسلام بر عهده داشت.

جامعه‌ی روحانیت، البته نظریه‌ی شریعتی را غیر منطقی دانسته و در نتیجه پیوند روحانی و دانشجو بنظر غیر ممکن می‌رسید. با وجود این، برخلاف انتظار اسلام رادیکال شریعتی بود که جوانان را به سمت اتحاد با روحانیت سوق داد. و این اتحاد مرهون زیرکی سیاست خمینی بود. او دانشجویان را با وعده‌ی داشتن نقش فعال و سازنده در جمهوری اسلامی آینده، اغوا کرد. در سخنرانی نجف که قبلاً ذکر شد با خطاب به تحصیل کرده‌ها می‌گوید:

آنها (تحصیل کرده‌ها) نمی‌باید روحانیون را که توده‌های وسیع دنبالشان هستند به کناری بزنند. . . و بگویند (ما اسلام بدون روحانیت می‌خواهیم) این مثل اینست که بگوئیم ما اسلام بدون سیاست می‌خواهیم. و این برخلاف منطق است. اسلام بدون روحانیت بکلی غیر ممکن است. هر ملائی روی محله‌اش تاثیر دارد، اما شما چنین تاثیری ندارید. . . مردم روحانیت را می‌خواهند. . . اگر یک روحانی به اندازه‌ی کافی از مسائل سیاسی مطلع نیست. . . به او اطلاعات بدهید. . . چون که اگر او عمل کند مردم به دنبال او می‌روند و کارها خوب پیش خواهد رفت (۳۸).

با تصدیق اینکه عده‌ای از روحانیون دارای تجربه‌ی سیاسی نیستند، خمینی از دانشجویان دموت می‌کند که متعهد آموزش سیاسی ایشان گردند و بعنوان دوست مجرب و قابل اعتماد ایشان عمل کنند و این نقشی خیلی پر اهمیت تر از نقش جوانک‌های پر حرارت انقلابی است.

زمانی که آن (فرصت) انتظاری رسید، سه نیروی اجتماعی بالا با هم وارد مرحله‌ی انقلاب شدند. معهذاً، شرایط مانند قیام تنباکوی ۹۲-۱۸۹۱، یا انقلاب مشروطیت ۱۱-۱۹۰۵ و یا نهضت ملی کردن نفت در

۵۳ - ۱۹۵۰ که در آنها بازاری‌ها و تحصیل کرده‌ها، علما را به داخل حرکت انقلابی کشاندند، نبود. بلکه این بار (پیشاهنگان خمینی) بودند که با مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌های محرک، تبلیغات و تهدید، نه فقط باقی‌مانده‌ها، بلکه بازاری‌ها و تحصیل کرده‌ها را به گرداب انقلاب کشاندند. از مرحله‌ی سوم رهبری انقلاب بوضوح در دست علما، بازاری‌ها و تحصیل کرده‌های مذهب‌گرا بود. اما پایه‌ی اجتماعی انقلاب اکنون گسترده شده و سایر طبقات و گروه‌ها را نیز شامل می‌شد. در چهارمین مرحله‌ی انقلاب، سه نیروی اجتماعی دیگر به ائتلاف گسترده‌ی انقلابی پیوستند. اول، با باز شدن مدارس، صد ها تن از هزاران محصل دبیرستانی و معلمین ایشان به صفوف انقلاب پیوستند. اعتصابات مدارس بعنوان الگویی برای مقاومت منفی برای سایر گروه‌های اجتماعی محسوب شد. بعلاوه، محصلین در سایر فعالیت‌های انقلابی آرام یا خشونت آمیز شرکت می‌کردند. آنها مغازه‌ها را تعطیل کرده و در جنگ خیابانی با نیروهای امنیتی درگیر می‌شدند و غالباً در پایان هر روز مدرسه، به تظاهرات گوناگون خیابانی دست می‌زدند. rouzaneha.org

دومین گروه که در مرحله‌ی چهارم به حرکت انقلابی پیوست، کارمندان دولت بودند که تا آن زمان هیچ نقش مؤثری در اعتلای انقلاب بعهدہ نگرفته بودند، فقط زمانی که اعتصابات مدارس و بازار مؤثر بنظر رسید، ایشان به تدریج و با احتیاط وارد نزاع شدند، اعتصابات خود را سازماندهی کرده و هنگامیکه دولت عکس العمل خشنی در برابر ایشان نشان نداد، فعالیت‌های خود را تشدید کردند. معهذاً شرکت کارمندان دولت در انقلاب، محدود به اعتصابات می‌شد و ایشان بندرت در تظاهرات خیابانی بعنوان یک گروه اجتماعی متمایز شرکت می‌کردند.

سومین نیروی اجتماعی که در مرحله‌ی چهارم به ائتلاف انقلابی پیوست پرولتاریای صنعتی بود. متن زیر که بوسیله‌ی سازمان فدائیان خلق (که عموماً بعنوان مهم‌ترین گروه مدافع کارگران محسوب می‌شد) نشان دهنده‌ی عدم شرکت این طبقه در انقلاب تا سپتامبر ۱۹۷۸ است:

امروز در تمامی شهر ها مردم بر ضد رژیم جنایتکار برخاسته- اند. . . اما این فقط آغاز کار است. هنوز بخش اعظمی از مردم ما (مخصوصاً کارگران) وارد کارزار نشده اند. . . ما سازمان فدائیان خلق ایران اعلام می کنیم که کارگران مبارز و زحمتکش ما نمی توانند در برابر کشتار و قتل عام توده ی ستمدیده، بوسیله ی مزدوران رژیم جنایتکار شاه در خیابان ها و دانشجویان ما در دانشگاه ها خاموش بمانند. . . بر ضد به صحنه آوردن تظاهرات کارگران قلابی یونیفورم پوشیده ی دولتی اعتراض کنید (۳۹).
rouzaneha.org

در اثنای آخرین صحنه های نمایش انقلاب، رژیم فرصتی بدست آورد که از وجود کارگران و روستائیان برای تشکیل باند های چماقدار و تظاهرات ضد انقلابی استفاده کند. زمانی که کارگران صنعتی بالاخره به ائتلاف انقلابی پیوستند، شرکت آنها کاملاً حائز اهمیت بود. با کمک کارکنان و کارمندان متخصص، خدمات عمومی و کارخانجات را تعطیل و در نهایت ماشین دولت را فلج ساختند.

ائتلاف اصلی بین تحصیل کرده های جوان، علما و بازاری ها یکبار دیگر نقش تعیین کننده ای در ایجاد حکومت دوگانه در مرحله ی نهایی انقلاب بازی کرد. بازاری ها به قصد محافظت خود و مغازه هایشان گروه های کوچکی از جوانان تشکیل دادند که بسیاری از این گروه ها بعد ها تبدیل به کمیته های انقلاب شدند، که به همراه کمیته های رفاه و تعاونی های اسلامی کمک های مالی اساسی از بازار دریافت می کردند. همچنین روحانیون نیز دلگرم شده و در بعضی از شهر ها اقدام به تأسیس دادگاه های اسلامی نمودند.

بطور خلاصه از آغاز تا انتها، نیروی محرکه ی انقلاب از سه گروه مهم اجتماعی یعنی روحانیت، بازار و دانشجویان و معلمین تشکیل می شد. سایر گروه های اجتماعی - کارمندان دولت، کارگران، روستائیان و شهر نشینان فقیر، در مراحل نهایی به انقلاب پیوسته و رهبری سه گروه بالا را پذیرفتند. معهذاً، زمانیکه انقلاب به پیروزی رسید، فقط دو

گروه روحانیت و تحصیل کرده‌های جوان بعنوان رهبری انقلاب محسوب شدند. این واقعیت با بررسی ترکیب ساخت نمایندگان اولین مجلس شورای اسلامی (پارلمان) کاملاً نمودار می‌شود: ۵۲٪ نمایندگان از علماء، ۳۰٪ معلمان و ۱۷٪ متخصصین و کارمندان دولت (۴۰).

۴

تجزیه و تحلیل انقلاب ایران، جدا از نفع مجردی که دارد، ممکنست که بتواند وابستگی‌هایی هم با تئوری‌های انقلابی و یا انقلاب تئوریک داشته باشد. انقلابات مستلزم وجود برخورد در بین دولت، نیروهای خارجی و نیروهای سیاسی - اجتماعی داخلی می‌باشد. تأثیر نیروهای بین‌المللی بر روی ثبات رژیم‌های کهنه، عموماً در قالب سستی یا اهمال قدرت‌های خارجی در تضمین اجرائی عملیات رژیم بر ضد نیروهای مدعی داخلی بروز کرده است. در مورد دولت‌های وابسته، محرك مشابه زمانی به صحنه می‌آید، که علائم سیاسی فرستاده شده از دولت ارباب، بد تعبیر شود. زمانیکه تردید و دو دلی برای حمایت دولت وابسته در شرایط بحرانی، پیش آید، و زمانی که فرهنگ سیاسی دولت وابسته (لااقل بر اساس تجربه‌های تاریخی) مستعد این باشد که هرگونه حرکت خارجی را بعنوان توطئه و همدستی بر علیه خود تعبیر کند.

انقلابات عمیقاً قابل تفسیر در قالب منافع و نقش هر طبقه یا گروه اجتماعی خاص نیستند. نیروی محرکه‌ی انقلاب غالباً از ائتلاف گروه‌های مختلف اجتماعی بوجود می‌آید. rouzaneha.org

مدرتیزه کردن سریع مملکت و نتیجه‌ی آن جابجائی‌های اجتماعی، غالباً بعنوان عامل اصلی خشونت‌های دسته‌جمعی و انقلاب محسوب می‌شود. این دیدگاه بر پایه‌ی تئوری تصویر یک بعدی از جامعه و همچنین از یاد بردن قدرت اجبار بعنوان عامل اصلی بقای اصول و پایه‌های اجتماعی قرار دارد. تجزیه و تحلیل ساختار اجتماعی شرکت‌کنندگان در انقلاب ایران نشان می‌دهد که در مقایسه با طبقه‌های نیمه



مرفه و سایر طبقات جدید اجتماعی، مهاجرین روستائی به شهرها و شهر نشینان فقیر، نقش بسیار جزئی در شکل‌گیری قیام (آنهم فقط در مراحل آخر) داشته‌اند. این نه فقط جابجائی ناشی از مدرنیزاسیون کشور، بلکه سستی و اهمال نیروهای دولتی حکومت بود که منتهی به خلق فرصت‌هایی برای بهره‌گیری تشکیل حرکات انقلابی شد.

ترجمان (منافع) جمع به (خواست‌های قاطع) و ایدئولوژی‌های سیاسی، بخش ضروری هر حرکت انقلابی است. اما در این نگرش (منافع طبقاتی) می‌باید بعنوان مجموعه‌ی منافع مادی و منافع غیر مادی تعریف شود:

rouzaneha.org

نه ایده‌ها، بلکه مادیات و منافع ایده‌آل مستقیماً بر بشر حکومت می‌کنند. هنوز بسیاری از (تصاویر دنیوی) که بوسیله‌ی ایده‌ها خلق شده‌اند، مانند راهنما، تعیین‌کننده‌ی مسیر حرکت برای جنبش‌هایی هستند که محرک ایشان منافع صرف می‌باشد (۴۵).

در مورد ایران، جنبش اسلامی به دو طریق در انقلاب شرکت می‌کند. اسلام، طیف بزرگی از طبقات مختلف اجتماعی را بخود جلب کرده بود که هر یک با نگرش خاص خود، اسلام را شامل تصویر دلخواه خود از احکام اجتماعی می‌دید. علاوه بر آن، اسلام در نقش یک مذهب خیر خواهانه، راه را برای اتحاد نیروهای مختلف اجتماعی باز کرد. اما علیرغم استعداد متحد کردن اپوزیسیون در مراحل نهائی انقلاب، ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران، یک ایدئولوژی یک پارچه و هماهنگ انقلابی نبود. حداقل چهار نسخه‌ی اسلام، هر کدام مربوط به یک طبقه و گروه اجتماعی خاص، شامل تصاویر ایده‌آل از جامعه‌ی آینده و همینطور طریقه‌ی تبدیل جامعه‌ی کنونی به آن می‌شد. - اسلام رادیکال، در ابتدا ایدئولوژی تحصیل کرده‌های جوان بود که اعتقاد به انقلاب (این جهانی) داشتند که باعث تبدیل ایران به یک جامعه‌ی بی طبقه‌ی اسلامی گردد. (اسلام مبارز) خمینی، ایدئولوژی بخشی از علماء، خرده بورژواها و طبقات محروم اجتماع بود، که در جستجوی نجات هم (این دنیا) و هم

(آن دنیا) با تشکیل (حکومت الله) بر روی زمین بودند. (اسلام لیبرال) بعنوان (ایدئولوژی اعتراض) غالباً مربوط به بورژوازی و طبقات متوسط می شد که در جستجوی اشتراک بیشتر در سیاست مملکت با تشکیل يك (حکومت ملی اسلامی) آنها از طریق حرکات آرام و بدون دستاویزی به خشونت بودند. و بالاخره (اسلام سنتی) که بعنوان (ایدئولوژی مقاومت) خواسته ی طبقات متوسط قدیمی که شامل بخش اعظمی از علما و خرده بورژوازی کهنه می شد، ایشان در برابر تغییرات اجتماعی با خشم معنوی عکس العمل نشان داده و در آرزوی بازگشت به قوانین گذشته بودند.

rouzaneha.org

یادداشت ها:

۱- کارهای اصلی در مورد انقلاب ایران شامل:

- Ervand Abrahamian, Iran between two revolutions (Princeton, N.J: Prinxeon University Press, 1982);
 Shaul Bakhash, The Reign of the Ayatollah: Iran and the Islamic Revolution (New york: Basic Books 1984);
 Farhad Kazemi, ed. Irandan Revolution in Perspective (Special issu of Iranian studies, Vol. XIII, NOS. 1- 4, 1980);
 Nikki Keddie, The Roots of revolution (New Hauen: Yale University Press, 1981); Michael Fisher, Fram Religions Dispute to Revolution (Cambridge, MA: Harvard Uneversity Press 1980)

۲- برای بیان خوب مطلب نگاه کنید به:

- America's Tragic Encounter with Iran (New York: Random

House, 1985), pp. 3- 27;

همینطور (خاطرات آخرین سفیر شاه در لندن) پرویز راجی، برای نشان دادن فشار های خارجی بر روی شاه نگاه کنید به محمد رضا پهلوی (پاسخ به تاریخ). همینطور جیمی کارتر (Keeping Faith: Memoirs of president (New York: Bantam Books, 1982), pp. 433 - 58 و مایکل لیدن و ویلیام لویس :

The American Failure in Iran (New York: Alfred Knop, 1981.

۳- برای مثال متن سخنرانی خمینی در نجف بتاريخ ۱ نوامبر ۱۹۷۸ را ببینید. منتشر شده در (شهیدی دیگر از روحانیت)، م - بازرگان (انقلاب ایران در دو حرکت)، ابراهیم یزدی (آخرین تلاش ما در آخرین روز ها)
rouzaneha.org

۴- اطلاعات (۹ - ۲۱ نوامبر ۷۶ - ۳ و ۱۷ مارس و ۲۳ مه و ۱۴ ژوئن و ۲۲ اکتبر و ۲۸ و ۲۹ نوامبر و ۵ دسامبر ۷۷.

۵- اطلاعات ۲ مارس، ۷ مه، ۵ ژوئیه ۷۷.

۶- اطلاعات، ۱۶ ژوئن ۷۷.

۷- به (پاسخ به تاریخ) پهلوی نگاه کنید صفحات ۱۰۵ و ۱۰۶.

۸- اطلاعات، ۱۱ و ۱۲ و ۱۶ اکتبر و ۱۷ و ۲۳ و ۲۷ نوامبر و ۶، ۱۰، ۱۲، و ۱۷ دسامبر - همینطور نگاه کنید به جان استامپل :

Inside the Iranian Revolution (Bloomington: Indiana University

Press. 1981), pp. 81- 90;

و م - بازرگان صفحات ۲۴ و ۲۶

۹- صفحه ی ۲۴ - م - بازرگان، شهیدی دیگر صفحه ۸۴ و ۲۶۷

۱۰- اطلاعات ۲۲ اکتبر و ۲۸ نوامبر و ۱۱ دسامبر ۷۷.

۱۱- سیک ، p. 30. All Fall Down,

۱۲- نگاه کنید به (قیام حماسه آفرینان قم و تبریز).

- ۱۳- نگاه کنید به (قیام حماسه آفرینان قم و تبریز)، صفحات ۷۴ - ۷۹.
- ۱۴- به اتحاد دانشجویان ایران (نبرد توده‌ها) نگاه کنید، استامپل: West Berlin: 1978, pp. 35 - 61
- ۱۵- نگاه کنید به استامپل INSIDE من ۱.۲-۹۵ و هم چنین اطلاعات ۲۰ مه: ۷، ۱۳ و ۲۶ ژوئن؛ ۵، ۱۹ و ۳۰ ژوئیه؛ ۶ اوت ۱۹۷۸.
- ۱۶- برای مثال نگاه کنید به استامپل من ۱۱۸-۱۰۴؛ بازرگان، انقلاب من ۳۴-۳۳؛ اطلاعات ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۷، ۳۰ و ۳۱ اوت؛ ۲، ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۰ و ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸؛ یزدی، AKHARIN، من ۲۶-۱۸.
- ۱۷- اطلاعات - ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۳ و ۳۰ سپتامبر و ۲ اکتبر ۱۸- به پاسخ به تاریخ (پهلوی) من ۱۶۱ نگاه کنید.
- ۱۹- از اوائل اکتبر تا اولین هفته ی نوامبر، زمانی که تمامی روزنامه‌ها بوسیله ی حکومت نظامی تعطیل بود، اخبار امتصایات و تظاهرات با مقابله‌ی مبالغه در روزنامه‌های روزانه ی پایتخت شامل اطلاعات، کیهان و آیندگان چاپ می شد. rouzaneha.org
- ۲۰- به پاسخ به تاریخ پهلوی من ۵-۱۶۶، نگاه کنید.
- ۲۱- برای برآورد موقعیت در زمان حکومت نظامی مراجعه کنید به: Zbigniew Brzezinski, Power and principle (New York: Farrar, Straus, Giroux, 1983), pp. 362 - 74; Sick, All Fall Down, pp. 74-80; Stempel, Inside, pp. 130 - 38; Yazdi, Akharin, pp. 27 - 55; Anthony Parsons, The Pride and the Fall: Iran 1974 - 1979 (London: Jonathan Cape, 1984), pp. 90 - 118; William Sullivan, Mission to Iran (New York: W. W. Norton, 1981), pp. 173 - 198.
- ۲۲- به گام به گام انقلاب، اکبر خلیلی، تهران - سروش - ۱۹۸۱، من ۷۲-۷۸ و پاسخ به تاریخ، پهلوی، من ۱۶۶ و استامپل، من ۳۱-۱۳، نگاه کنید.
- ۲۳- برای مثال به گام به گام خلیلی، من ۱۱۱-۱۰۳ و نهضت روحانیون ایران، علی دوانی چاپ ۹، من ۴۶-۶ (تهران-امام رضا، ۱۹۸۰) نگاه کنید.

۲۴- به نهضت روحانیون ایران- ص ۷۶-۴۷ و ۴۵-۲۱۹ و همچنین خلیلی ص ۱۲۲-۱۱۲ مراجعه کنید.

25- Sick, All Fall Down, p. 82; see also Sullivan, Mission, pp. 200 - 13.

26- Brzezinski, Power, p. 371.

۲۷- تمامی آمار مربوط به پنج مرحله ی انقلاب بر اساس تجزیه و تحلیل گزارشات تظاهرات، اعتصابات و رویاروشی‌ها و سایر فعالیت‌های انقلابی که در روزنامه‌ها و وقایع‌نگاری انقلاب و اعلامیه‌های دولت و گروه‌های مخالف قرار گرفته است. تحلیل‌های کاملتر و نتایج این مطالعات در کتاب آینده‌ی نویسنده بنام:

The state and social classes in contemporary Iran.

آمده است.

28- Bazargan, Enqelab, pp. 66 - 68; Davani, Nehzat, pp. 142 - 153

29- See Yazdi, Akharin, pp. 75 - 198; Bazargan, Enqelab, pp. 67 - 78; Ettela'at, feb. 7, 8, 10, 11.

۳۰- برای مرحله ی نهایی انقلاب مراجعه کنید به Stempel, Inside صفحات ۱۳۹ و ۱۹۵؛ اطلاعات از ۶ ژانویه تا ۱۲ فوریه. همچنین مراجعه کنید به یزدی (آخرین) صفحات ۵۶ تا ۱۹۸؛ Sullivan, Mission صفحات ۱۸۱ تا ۲۶۸؛ Lewis, Ledeen, Debacle, صفحات ۱۶۵ و ۹۴؛ Parsons, Pride, صفحات ۱۰۸ تا ۱۳۰؛ و قره باغی (حقیقی درباره ی بحران ایران) (Truths about the Iranian Crisis) (Paris, Soheil, 1984)

34- See Theda Dkocpol, States and Doceal Revolutions (Cambridge University Press, 1979), pp. 30-31 and 40-42.

32- See Note 27 above.



- rouzaneha.org
- ۳۳- به شهیدی دیگر ص ۵۷-۵۶ نگاه کنید.
- ۳۴- به پاسخ به تاریخ، پهلوی ص ۱۵۶، نگاه کنید.
- ۳۵- برای بررسی دیدگاه های شریعتی به مقاله ی ۲ و ۱ شریعتی در همین جلد مراجعه شود.
- ۳۶- ن. ک. برای نمونه به مقاله E. Hooglund and W. Royce در همین رابطه
- ۳۷- برای بررسی اینگونه ایدئولوژی اسلامی مقاله (ه - شهابی) را در همین جلد ببینید.
- ۳۸- ن. ک. به شهیدی دیگر ص ۴۸-۴۷
- ۳۹- ن. ک. سازمان چریک های فدائی خلق ایران ، جنبش خلق و طبقه کارگر، تجدید چاپ CISNU ، برلین غربی، ۱۹۷۸، ص ۷.
- ۴۰- ن. ک. مجلس شورای اسلامی، مشخصات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۹۸۱.

41- See H. H. Gerth and C. W. Mills, eds., *From Max Weber* (New York: Oxford University Press, 1958), p. 280.